



Research paper

Approaches and Relations of Iran with the Non-Aligned Movement

Hadi Torki

PhD Candidate in International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Email: haditorki1366@yahoo.com

Arsalan Ghorbani Sheikhneshin

Professor of International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Email: ghorbani@khu.ac.ir

Abstract

The Islamic Republic of Iran can advance part of its foreign policy objectives through engagement with international institutions. Although the Non-Aligned Movement (NAM) may not constitute a formal international organization with strong binding authority, its extensive membership, guiding principles, and goals, combined with the growing influence of international institutions in the contemporary era, grant it considerable relevance. Many of NAM's objectives align closely with Iran's strategic interests. Drawing on neoliberal institutionalist theory, which conceptualizes the international system as anarchic, recognizes states as rational and influential actors, and assigns international institutions an independent identity, this study examines Iran's approach and relations with the Non-Aligned Movement within the global system. Specifically, the paper conducts a comparative analysis of the foundations, principles, and objectives of Iran's overarching foreign policy alongside those of NAM. Iran's engagement with the movement can be characterized by its commitment to opposing imperialism and hegemonic structures, promoting sovereign equality, ensuring the equality of nations, respecting human rights, and upholding the right to self-determination.

Keywords: Non-Aligned Movement, Neoliberal Institutionalism, Iran, International Institutions, Peace

Center for Strategic Research

Quarterly Journal of Diplomatic Strategies in International Organizations

<http://sazmanbeynomlmal.csr.ir> / E-ISSN: 2588-6665



رویکردها و مناسبات ایران و جنبش عدم تعهد

هادی ترکی

دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

Email: haditorki1366@yahoo.com

ارسلان قربانی شیخ نشین

استاد روابط بین الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

Email: ghorbani@khu.ac.ir

چکیده

جمهوری اسلامی ایران می تواند از طریق تعامل با نهادهای بین المللی، بخشی از اهداف سیاست خارجی خود را محقق سازد. جنبش عدم تعهد، شاید در قالب یک سازمان بین المللی ننگیند و جنبه الزام آوری آن کم باشد؛ اما با توجه به تعداد اعضا، آرمان ها و اهداف از یک سو و تأثیر نهادهای بین المللی در عصر جدید از سوی دیگر، از گستره وسیعی برخوردار است و بسیاری از اهداف آن هم سو با سیاست های ایران است. در این مقاله با توجه به نظریه «نهادگرایی نئولیبرال» که نظام بین الملل را آنارشیک، دولت ها را تأثیرگذار، عاقل و همچنین نهادهای بین المللی را دارای هویتی مستقل می داند، به دنبال بررسی رویکرد و مناسبات ایران با جنبش عدم تعهد در نظام بین الملل هستیم. درواقع، در یک بررسی مقایسه ای مبانی، اصول و اهداف سیاست کلان ایران را با جنبش عدم تعهد می سنجیم. بنابراین، مناسبات جمهوری اسلامی ایران با جنبش را می توان نفی امپریالیسم و نظام سلطه، تساوی حاکمیت، برابری ملت ها، رعایت حقوق بشر و حق تعیین سرنوشت برشمرد.

کلیدواژه ها: جنبش عدم تعهد، نهادگرایی نئولیبرال، ایران، نهادهای بین المللی، صلح

مقدمه

وقوع جنگ جهانی دوم بین قدرت های بزرگ، دو پیامد مهم در نظام بین الملل بر جای گذاشت؛ یکی تحول در ساختار این نظام از چندقطبی موازنه قوا به نظام دوقطبی و دیگری استعمارزدایی و استقلال مستعمرات و کثرت واحدهای سیاسی در نظام بین الملل. با این حال، استیلای نگرش های واقع گرایانه آمریکا و شوروی سابق به محیط پیرامونی و بین المللی و تلاش هریک از دو قطب برای تأمین منافع ملی، افزایش قدرت و نیز هم سو کردن کشورهای استقلال یافته که اکثریت آن ها با وجود استقلال ظاهری، هنوز از نظر سیاسی و اقتصادی وابسته بودند، منجر به شکل گیری جنگ سرد و نیز تشدید رقابت بین دو ابرقدرت شد. می توان گفت نگرش و اقدامات واقع گرایانه آمریکا و شوروی سابق، وجود نظم آنارشیک بین المللی، تشدید جنگ سرد، نبود صلح و امنیت، تضییع حقوق بشر و بی توجهی به ارزش های انسانی و مهم تر از همه اقدامات برخی از رهبران کشورهای کم توسعه نظیر هند (نهرو)^۱، یوگسلاوی (تیتو)^۲، مصر (ناصر)^۳ و اندونزی (سوکارنو)^۴ از جمله عواملی بودند که بستر را برای جنبشی با عنوان «جنبش عدم تعهد» فراهم آورد. این جنبش در اوج جنگ سرد؛ در سال ۱۹۶۱ در بلغراد تشکیل شد و مهم ترین هدف آن، ایفای نقش جهت حمایت از حقوق کشورهای جهان سومی (کم توسعه) و خارج از دو بلوک شرق و غرب بود. جمهوری اسلامی ایران نیز از ابتدای شکل گیری انقلاب با توجه به اصل «نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی»، در سال ۱۳۵۸ (اکتبر ۱۹۷۹) در نشست ششم هاوانا به عنوان هشتاد و هشتمین عضو پذیرفته شد. می توان گفت جنبش عدم تعهد به عنوان نهادی بین المللی شناخته می شود که به دنبال اهداف خاص خود بوده و موضوعات گوناگونی را دنبال می کنند که با گردآمدن اعضا، به نوعی تقویت اهداف حاصل می شود. درواقع، برخلاف انتظار برخی از غربی ها، جنبش عدم تعهد در کل، پس از جنگ سرد هنوز با قدرت، توسط کشورهای کم توسعه و به شکل خاص توسط ایران حمایت می شود (Africa News, 1996). در این مقاله با توجه به اهداف و منافع مشترک ایران و جنبش عدم تعهد به دنبال بررسی رویکردها و مناسبات طرفین از منظر نهادگرایی نئولیبرال هستیم که درواقع؛ به بررسی مقایسه ای مبانی، اصول، اهداف سیاست کلان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را با اصول و مبانی جنبش عدم تعهد پرداخته می شود.

1. Jawaharlal Nehru

2. Josip Broz Tito

3. Gamal Abdel Nasser

4. Sukarno



۱. مفاهیم و چهارچوب نظری

۱-۱. عدم تعهد

«عدم تعهد»^۱ به‌عنوان یک راهبرد سیاست خارجی، بی‌طرفی نیست، زیرا از یک‌سو در طبقه‌بندی راهبرد دولت‌ها در سیاست خارجی، هر یک از این دو به‌عنوان روشی در روابط بین‌المللی بیان شده است و از سوی دیگر، بی‌طرفی دارای یک معنای حقوقی بین‌المللی است که عدم تعهد فاقد آن است. برخلاف این تفسیر نسبتاً منفعل از عدم تعهد، آیت‌الله موسوی اردبیلی به ویژگی‌های فعال و متعارض عدم تعهد اشاره کرده است. وی می‌گوید: «اسلام دربرگیرنده عقایدی است که با هر دو بلوک در تقابل است». (Jomhori-e Islami, 1983) تفاوت بی‌طرفی و عدم تعهد آن است که بی‌طرفی معمولاً به‌موجب قرارداد یا تضمین کشورهای بزرگ صورت می‌گیرد و وضعیتی حقوقی است که یک دولت در طول مخاصمات مسلحانه دارا است. درحالی‌که سیاست «عدم تعهد» بدون تضمین یک کشور خارجی و براساس ابتکار رهبران سیاسی یک کشور، با توجه به ماهیت نیاز سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن کشور صورت می‌گیرد. از این‌رو، نباید «عدم تعهد» را با «بی‌طرفی» و برخورد منفعلانه در نظام بین‌الملل اشتباه گرفت. درواقع، عدم تعهد نوعی استقلال است که دولت‌ها با توجه به اهداف و ویژگی‌های مشترک به دنبال نوعی استقلال هستند که خارج از بلوک کشورهای قدرتمند هستند (ازغندی و روشندل، ۱۳۹۳: ۱۴۲). عدم تعهد به معنای عدم وابستگی به ابرقدرت‌ها یا قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌الملل است. بنابراین، جهت‌گیری و راهبرد عدم تعهد در سطح بین‌الملل در برابر ابرقدرت‌ها یا بلوک‌های قدرت اتخاذ می‌گردد نه در قبال کلیه کشورها و موضوعات جهانی (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۷۳).

۲-۱. جنبش عدم تعهد

جنبش غیر متعهدها یا جنبش عدم تعهد^۲ یک‌نهاد بین‌المللی است که در سال ۱۹۶۱ میلادی در اوج جنگ سرد در بلگراد پایتخت یوگسلاوی تأسیس شد و شامل کشورهایی می‌شد که به هیچ‌یک از بلوک‌های قدرت نظام جهانی (آمریکا و شوروی سابق) وابستگی و تعهدی نداشتند. کشورهای عضو جنبش، فعال بودن در سیاست بین‌الملل را مبنای خود قرار داده‌اند تا باعث کاهش بحران‌ها و جلوگیری از جنگ شود. در حال حاضر جنبش عدم تعهد ۱۲۰ عضو دارد که شامل ۵۳ کشور آفریقایی، ۴۰ کشور

1. Non-Aligned

2. Non-Aligned Movement

آسیایی، ۲۶ کشور از آمریکا لاتین و حوزه کارائیب و یک کشور اروپایی است، همچنین علاوه بر این، ۱۸ کشور و ۱۰ سازمان نیز عضو ناظر این جنبش هستند (عبدی و ملکی، ۱۳۹۱: ۵۵).

اهداف اصلی این جنبش؛ شامل حمایت از حق تعیین سرنوشت، حاکمیت و استقلال ملی و یکپارچگی سرزمینی کشورها، عدم الحاق به پیمان‌های نظامی چندجانبه و استقلال کشورهای عضو نفوذ بلوک‌بندی سیاسی، قدرت‌های بزرگ، مبارزه با امپریالیسم، نژادپرستی، خلع سلاح، عدم دخالت در امور داخلی کشورها، هم‌زیستی مساومت‌آمیز، تقویت سازمان ملل متحد، دموکراتیزه نمودن روابط بین‌الملل، توسعه اقتصادی- اجتماعی، بازسازی سامانه اقتصاد بین‌المللی و همکاری بین‌المللی در موقعیت برابر است (History and Evolution of Non-Aligned Movement August, 2012: 22).

براساس تصویب کنفرانس باندونگ، اصول ده‌گانه حاکم بر جنبش عدم تعهد به شرح زیر است:

۱. احترام به حقوق اساسی و طبیعی افراد بشر؛
۲. احترام به مالکیت و تمامیت ارضی برای همه کشورها؛
۳. تساوی نژادها و ملت‌ها در جوامع بین‌المللی؛
۴. حق دفاع مشروع فردی و دسته‌جمعی؛
۵. عدم دخالت دولت‌ها بر امور داخلی یکدیگر؛
۶. تحریم الحاق به پیمان‌های نظامی چندجانبه؛
۷. عدم توسل به زور و ترک و منع تجاوز؛
۸. حل اختلاف‌های بین‌المللی از راه‌های مسالمت‌آمیز؛
۹. تشویق و همکاری بین‌المللی و رعایت موارد منشور و ملل متحد؛
۱۰. احترام به عدالت و اجرای تعهدات بین‌المللی (عبدالرشیدی، ۱۳۹۰: ۳۹).

۳-۱. نظریه نهادگرایی نئولیبرال

یکی از دستاوردهای علم، تولید نظریه است که می‌توانیم به‌وسیله آن به وقایع نگاه کرده و مورد بررسی قرار دهیم. نظریه‌های روابط بین‌الملل^۱ را می‌توان به صورت‌های مختلف تقسیم کرد. ای.اچ.کار^۲ نظریه‌های روابط بین‌الملل را به دو دسته؛ واقع‌گرا و آرمان‌گرا تقسیم می‌کند. نظریه واقع‌گرا جهان را چنان‌که هست می‌پذیرد و به دنبال آن نیست که اصول اخلاقی بر آن تحمیل کند. برخلاف آرمان‌گراها که بدون توجه

1. International relations theory

2. Edward Hallett Carr



بنیان مادی سیاست، امکان هماهنگی طبیعی منافع را مطرح می‌سازند و تعمیم فرایندهای حقوقی و اخلاقیات حاکم بر جوامع داخلی به سطح بین‌المللی تأکید دارند (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۱۳). در میان نظریه‌های متأخر باید از نظریه «واقع‌گرایی لیبرال» و «نهادگرایی نئولیبرال» نام برد. برای مثال در نهادگرایی نئولیبرال همانند نواقص‌گرایی، از طرفی کشورها مهم‌ترین بازیگران بین‌المللی هستند؛ اما امکان همکاری‌های بین‌المللی میان دولت‌ها وجود دارد و از طرفی دیگر در توانایی نهادهای بین‌المللی در تسهیل همکاری میان کشورها امکاناتی وجود دارد.

نهادگرایی نئولیبرال^۱ نظریه‌ای در مورد نهادهای بین‌المللی است که درصدد تلفیق سه اصل و عنصر از نواقص‌گرایی و نوکارکردگرایی است. نخست؛ این که نقش مهمی به کشورها برای هم‌گرایی قائل است. دوم؛ انگیزه‌های قوی و قاطعی برای همکاری به‌وسیله وابستگی متقابل منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد می‌شود را مورد توجه قرار می‌دهد و در آخر؛ راه و روش‌های تأثیر نهادهای فراملی بر ادراک منافع ملی و ارجحیت‌های کشورها از طریق تأثیرگذاری بر محاسبات سود و زیاده‌های آن‌ها را مورد تأکید قرار می‌دهد. نهادگرایی نئولیبرال، تکامل و تعمیق هم‌گرایی را مستلزم مذاکرات و چانه‌زنی حکومت‌ها و مصالح و سازش آن‌ها می‌داند (قوام و کیانی، ۱۳۹۰: ۳۹). هسته مرکزی نظریه نهادگرایی نئولیبرال را پنج اصل به وجود آورده است که شامل موارد زیر می‌شود؛

۱. نظام بین‌الملل، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده رفتار دولت‌ها است؛
۲. نظام بین‌الملل نظامی آنارشیک است؛
۳. مهم‌ترین بازیگران عرصه نظام بین‌الملل دولت‌ها هستند؛
۴. دولت‌ها بازیگرانی عاقل و بسیط هستند؛
۵. نهادهای بین‌المللی هویتی مستقل دارند (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۳۹).

ازهمین‌رو نظریه نهادگرایی نئولیبرال می‌تواند ادبیات نظری مفیدی را جهت تحلیل مناسبات دوجانبه ایران و جنبش عدم تعهد فراهم سازد که در ادامه به تبیین این نظریه پرداخته می‌شود.

۲. اهداف سیاست خارجی ایران

تعاریف و توصیفات از اهداف سیاست خارجی بسیاری وجود دارد، اما آنچه در عمل در سیاست خارجی کشورها قابل توجه بوده و در تصمیم‌گیری کشورها مؤثر است، می‌توان به قانون اساسی کشور، افراد تصمیم‌گیرنده، ساختار درونی کشورها و ظرفیت‌های نظام بین‌الملل و ساختارهای بین‌المللی اشاره کرد.

هر کشوری برای خود خط‌مشی و اهدافی را در خارج از مرزهای خود ترسیم می‌کند. هدف ملی، عبارت است از تصویر از آینده یا مجموعه شرایط در آینده که کشور حاضر است در راه تحصیل آن‌ها بکوشد. همچنین وجود رهبران عامل دیگری است که در اختلاف بین هدف‌های هر کشور تأثیرگذار است (سیف‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۶۳). «هالستی»^۱ اهداف کشورها را به سه قسمت تقسیم می‌کند:

۱. هدف‌های حیاتی و اولیه: هدف‌های حیاتی، ارزش‌های اساسی جامعه است که دولت و ملت موجودیت خود را منوط و موقوف به حصول و حفظ آن دانسته و همواره باید در انجام آن بکوشند؛

۲. هدف‌های متوسط: (هدف‌های متوسط و درجه دوم) به هدف‌هایی اطلاق می‌شود که حصول به آن‌ها لازم است، اما نمی‌توان در کوتاه‌مدت به آن رسید و باید در یک ظرفیت زمانی مشخصی به آن دست یافت؛

۳. هدف‌های جهانی درازمدت: این‌ها اهدافی هستند که زمان محدودی برای رسیدن به آن‌ها تعیین نشده است (همان، ۱۳۸۵: ۱۶۵). در ادامه طبق نظر هالستی اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را بررسی می‌کنیم.

۲-۱. اهداف کوتاه‌مدت

۲-۱-۱. حفظ بقا و استقلال کشور

مهم‌ترین، حیاتی‌ترین و فوری‌ترین هدف سیاست خارجی ایران، حفظ موجودیت و تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. اصل سوم قانون اساسی بیان می‌کند: «دولت جمهوری اسلامی موظف است... همه امکانات خود را برای ... حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور» به کار برد. امام خمینی^(ره) می‌گوید: «دفاع از اسلام و کشور اسلامی، امری است که در مواقع خطر تکلیف شرعی الهی و ملی است؛ بر تمام قشرها و گروه‌ها واجب است» (امام خمینی، ج ۱۲: ۱۵۹).



۲-۱-۲. صدور انقلاب

جمهوری اسلامی ایران خود را به‌عنوان مرکز یا ام‌القری جهان اسلام تعریف می‌کند، به‌گونه‌ای که پاسداری از موجودیت اسلام یکی از وظایف و اهداف اولیه آن به شمار می‌آید. از همین‌رو در اصل ۱۷۶ قانون اساسی، یکی از اهداف تشکیل شورای عالی امنیت ملی در کنار تأمین منافع ملی، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی را پاسداری از انقلاب اسلامی ذکر می‌کند.

۲-۱-۳. دفاع از ملت‌های مظلوم و جنبش و آزادی‌بخش

از اصول مهم سیاست خارجی ایران، نفی و طرد کامل هرگونه سلطه ستمگری و ستم‌پذیری است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری ... و عدم تعهد در برابر قدرت‌ها سلطه‌گر استوار است (اصل دوم قانون اساسی). امام^(ع) نیز می‌گوید: «ملت اسلام پیرو مکتبی است که برنامه‌های آن مکتب خلاصه می‌شود در دو کلمه «لا تَظْلِمُونَ و لا تُظْلَمُونَ» (همان، ۸۱). بیان و مستندات این اصل را می‌توان در کتاب و سنت ریشه‌یابی کرد. قاعده نفی سبیل به معنای انسداد کلیه راه و روش‌های مستقیم و غیرمستقیم سلطه و تفوق کفار و مسلمانان اولین مبنای قرآنی این اصل است. آیه شریفه ۱۴۱ سوره نساء می‌فرماید: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» خداوند هرگز و به‌هیچ‌وجه برای کافران نسبت به مؤمنین راه سلطه و تفوق را باز نگذاشته است». شهید مطهری در توضیح این قاعده می‌نویسد: «فقها حدیث‌الاسلام یعلو و لایعلی علیه» مبنای رأی تشریح و قانون در مورد روابط علم و غیرمسلم می‌دانند، یعنی در روابط علم و غیر علم نباید غیر علم بر علم تسلط داشته باشد (مطهری، ۱۳۹۲: ۱۰۵). بنابراین، قاعده نفی سبیل دو جنبه ایجابی و سلبی دارد: جنبه سلبی، نفی سلطه بیگانگان بر مقدرات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان را بیان می‌کند و جنبه ایجابی، بیانگر وظیفه دینی امت اسلامی برای حفظ استقلال سیاسی و از میان برداشتن زمینه‌های وابستگی است (سجادی، ۱۳۸۹: ۵۸).

۲-۱-۴. کسب اعتبار بین‌المللی

از آنجایی که قانون اساسی جمهوری اسلامی از قرآن کریم بهره گرفته و همچنین ایران جامعه‌ای دینی است، بنابراین کسب اعتبار و وجهه مثبت بین‌الملل یکی دیگر از اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. قرآن کریم در این باره

می فرماید: «عزت متعلق به خداست، عزت متعلق به پیامبر و مؤمنین است» (منافقون، آیه ۸). بنابراین، این مطلب را در قانون اساسی، تمدن، ساختارها و ذهنیت رهبران و نخبگان ایران را نمی توان نادیده گرفت و درواقع یک اصل به حساب می توان آورد.

۲-۲. اهداف میان مدت

اگرچه رسیدن به توسعه و رفاه یک هدف حیاتی است؛ اما نمی توان در زمان اندک به آن رسید و لازم است در قالب برنامه های توسعه به آن دست یافت. در اصل سوم قانون اساسی تصریح شده: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است... همه امکانات خود را برای پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه، رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیر بیمه» به کار گیرد. بنابراین اهداف میان مدت را می توان اهدافی دانست که نه بسیار ضروری است و نه این که غیرضروری، درواقع اهدافی است که تقویت و تلاش برای رسیدن به آن مهم هست و پشتوانه ای برای اهداف کوتاه مدت است.

۲-۳. اهداف بلندمدت

۲-۳-۱. مبارزه با استکبار

براساس قاعده فقهی نفی سبیل، راه هر نوع نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلامی در حوزه های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی باید مسدود شود. بلکه فراتر از آن مسلمین مکلف به مبارزه با استکبار، نظام سلطه، ظلم و بی عدالتی هستند. بنابراین در اصول دوم و سوم قانون اساسی آشکارا بر نفی ستمگری و ستم کشی، «قسط و عدل»، نفی نظام سلطه و طرد کامل استعمار و استکبار تأکید شده است. امام خمینی^(۵) می گوید: «تکلیف ما این است که با ظلم مبارزه کنیم» (روح الله خمینی، ج ۱۲: ۳۰۶). بنابراین، مبارزه با ظلم و استکبار می تواند جزء اهداف میان مدت قرار گیرد.

۲-۳-۲. تغییر ساختار نظام سلطه

براساس تعریف «دسلر»^۱، ساختار نظام بین الملل عبارت از قواعد و منابع است. وی معتقد است قاعده در اصلی ترین مفهومش دریافت چگونگی عمل کردن یا ادامه دادن تحت شرایط خاصی اجتماعی است (ستوده، ۱۳۸۵: ۱۰۵). بنابراین این منابع و قواعد قابل تغییر هستند. نئولیبرال ها استدلال می کنند که نظام بین الملل ساختار واحد و

1. David Dessler



یکپارچه‌ای ندارد، زیرا به نظر آن‌ها به علت تبدیل‌ناپذیری قدرت نظامی، تنوع و تکثر انواع مختلف، دارای ساختارهای متفاوتی است. برای نمونه، نظام بین‌الملل معاصر ممکن است از نظر نظامی تک‌قطبی ولی از نظر اقتصادی چندقطبی باشد، چون قطب‌های اقتصادی متعددی مانند اروپا، ژاپن و چین در کنار آمریکا وجود دارند (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۸۵: ۱۱۷). بنابراین، ایران نیز با توجه به سیاست‌های هم‌سو با برخی کشورهای جنبش وضع موجود را نمی‌پذیرد و خواهان تغییر آن است. هدف نهایی این بازسازی آن است که اسلام و جهان، اسلام سطح بالاتری از سازمان‌یافتگی را تجربه کرده و به ایفای نقش در سیاست جهانی بپردازد (لوکمر، ۱۳۸۲: ۳۳).

۳. سیاست‌های هم‌سوی ایران و جنبش عدم تعهد

شاید اصلی‌ترین سیاست هم‌سویی ایران و جنبش، عدم تعلق به قدرت‌های بزرگ و درواقع استقلال همه‌جانبه این کشورها باشد. سابقه هم‌سویی ایران و جنبش به همان ابتدای تأسیس بازمی‌گردد و آن زمانی است که از محمد مصدق به‌عنوان پیشگام سیاست عدم تعهد در جهان سوم تجلیل به عمل می‌آید (ازغندی، ۱۳۸۶: ۳۰). که این راهبرد (عدم تعهد ایران) با انقلاب ۱۹۷۹ ایران، فصل جدید و مأموریتی متفاوت برای ایران بر جا می‌گذارد. اگرچه برخی کارشناسان تأثیرات انقلاب اسلامی بر تصمیمات سیاسی رهبران جدید ایران را با تأکید بر عنصر تداوم اجزاء تاریخی، ژئوپلیتیکی و اقتصادی سیاست کم کرده و نتیجه گرفته‌اند که راهبرد جدید تهران همان راهبرد اصلی و اولیه یا رادیکال نیست (Honter, 1990:12).

۳-۱. عدم تعهد عملی در سیاست خارجی ایران

سیاست خارجی ایران در سطح کلان براساس سیاست نه شرقی - نه غربی است که هرگونه وابستگی به بلوک‌های قدرت را نفی می‌کند. درواقع، عدم تعهد واقعی را باید در سیاست خارجی ایران مشاهده کرد، همان‌طور که امام خمینی^(ع) می‌فرماید: «امروز کشوری که غیر متعهد است ایران است. یک کشور دیگر پیدا نمی‌کنید که غیر متعهد به معنای واقعی‌اش باشد» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۵۴). جنبش عدم تعهد نیز خواهان عدم وابستگی و استقلال عمل از قدرت‌های بزرگ و استقلال عمل است. این وجه اشتراک، ظرفیت بین عدم تعهد و ایران را بالا می‌برد. ایران از همان ابتدای انقلاب با وجود بدبینی که به سازمان‌های بین‌المللی داشت، خواستار عضویت در این نهاد شد و همواره سعی داشته است مقابل کشورهای قدرتمند به‌خصوص آمریکا ایستادگی کند.

۳-۲. اصل روابط مسالمت آمیز با کشورها

برای جمهوری اسلامی عدم تعهد به معنی خودداری از پیوستن به یک پیمان تهاجمی است (mokri, 1979). به نوعی سیاست عدم تعهد را می توان به شعار «نه شرقی و نه غربی، جمهوری اسلامی» ربط داد (Diliy Report, 1979) ولایتی وزیر خارجه سابق، عدم تعهد را به عنوان حفظ استقلال از دو بلوک (شرق و غرب) و نفی حاکمیت خارجی در تمام زمینه ها تعریف کرده است (kayhan, 1990). بنابراین می بینیم ایران در چهار دهه گذشته در صحنه بین المللی و تعامل با کشورهای دیگر، اعم از مسلمان و غیرمسلمانان رفتاری مسالمت آمیز و صلح جوینانه داشته است؛ به نحوی که ایران نه تنها آغازگر جنگ تحمیلی نبود، بلکه در این جنگ ابتدا حالتی دفاعی داشته و حتی با پیروزی انقلاب اسلامی نام وزارت جنگ را به وزارت دفاع تغییر داد. این اصل در قانون اساسی در اصل ۱۵۲ این گونه بیان شده است که روابط خارجی، روابط صلح آمیز متقابل با دولت های غیر محارب استوار است». همچنین اصل چهاردهم نیز تصریح می کند: «دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفاند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاص حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند». همچنین امام خمینی ^(۵) می فرماید: «ما صلح می خواهیم، ما با همه مردم دنیا صلح می خواهیم باشیم ما می خواهیم مسالمت با همه دنیا داشته باشیم». بنابراین باید گفت، ایران روابط مسالمت آمیز را یک اصل می داند که در عمل نیز پایبند آن است.

۳-۳. اصل احترام متقابل و عدم مداخله در امور داخلی کشورها

عدم مداخله در امور و شئون داخلی کشورهای دیگر و احترام متقابل، لازمه منطقی هم زیستی مسالمت آمیز و صلح طلبی در سیاست خارجی است. زیرا مداخله در مسائل و موضوعاتی که به یک کشور و ملت خاص اختصاص دارد، ممکن است موجب تنش، دشمنی، منازعه و نهایتاً جنگ بین کشورها شود. بنابراین، یکی از اصول نظری و عملی سیاست خارجی ایران پرهیز از دخالت در امور و شئون داخلی دیگر کشورها و احترام متقابل است. به گونه ای که اصل ۱۵۴ قانون اساسی بیان می دارد؛ جمهوری اسلامی ایران متعهد به «... خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر...» است.



۳-۴. اصل تعهد به پیمان‌ها و قراردادهای

یکی از وجود و ابعاد مهم نظام بین‌الملل و الگوهای تعامل حاکم بر روابط و مناسبات کشورها معاهدات، پیمان‌ها، قراردادهای و قواعدی است که در قالب قوانین و حقوق بین‌الملل تجلی می‌یابند. بنابراین، جهت حفظ صلح، ثبات و امنیت جهانی همه کشورها باید متعهد به قوانین باشند. ایران به‌عنوان عضوی از جامعه بین‌الملل همواره پایبندی خود به قوانین، معاهدات و قراردادهای بین‌المللی را نشان داده است و قانون اساسی با توجه به دین مبین اسلام به آن تأکید داشته است و امام خمینی^(۵) در رابطه با اصل تعهد به پیمان‌های بین‌المللی، بیان می‌دارد: «ما از باب این‌که تابع اسلام هستیم، قراردادهایی که شده است، محترم می‌شماریم».

۴. راهکارها و الزامات تقویت مناسبات ایران و جنبش عدم تعهد

ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره بر اصول و آرمان‌های دینی و انقلابی خود مبنی بر تبلیغ پیوسته جهان‌بینی اسلامی، حفظ استقلال خود و دیگر کشورهای جهان سوم از نفوذ دو اردوگاه امپریالیسم و کمونیسم بوده است. بخش عمده‌ای از این آرمان‌ها، شباهت فراوانی به آرمان‌های اولیه مؤسسان جنبش عدم تعهد در بدو تأسیس در سال ۱۹۶۱ داشته است. درواقع، این آرمان‌ها باعث شده که مناسبات ایران و جنبش به‌نوعی تقویت شود و جنبش حرکت‌هایی را در راستای اهداف ایران انجام بدهد که ازجمله، تلاش اعضای جنبش در زمینه‌های حل و فصل جنگ ایران و عراق و برقراری آتش‌بس، محکومیت ساقط کردن هواپیمای مسافربری ایرباس در تیرماه ۱۳۶۷، حمایت از اجرای قطعنامه ۵۹۸، مسئله فلسطین، مخالفت با مذهب‌ستیزی و نژادپرستی حرکت‌هایی است که جنبش برای ایران انجام داده است. البته در این میان مهم‌ترین اقدام حمایتی جنبش غیر متعهدها در قبال جمهوری اسلامی ایران را می‌توان تلاش جنبش، برای عدم محکومیت ایران در آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای دانست که در جریان نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای کشورهای غیر متعهد در حمایت از جمهوری اسلامی ایران موضع‌گیری کردند و از شورای حکام آژانس خواستند به دور از فشارهای سیاسی به بررسی دقیق وضعیت هسته‌ای و تسلیحاتی همه کشورهای عضو بپردازند. همچنین سران جنبش عدم تعهد در بیانیه‌ای جداگانه در پایان چهاردهمین نشست خود در هاوانا در سپتامبر ۲۰۰۶ ضمن حمایت از فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای ایران خواستار پیوستن اسرائیل به معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای شدند. شاید جدی‌ترین شاخص برای اثبات فرضیه تلاش جنبش

عدم تعهد برای حرکت از حاشیه به متن معادلات بین‌المللی حمایت قاطعانه ۱۳ کشور عضو جنبش عدم تعهد در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی موسوم به «گروه نم» از فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای ایران باشد. دیپلماسی فعال گروه نم در نشست شورای حکام و مقاومت آن‌ها در برابر اعمال فشار آمریکا و برخی دولت‌های غربی عضو شورا علیه ایران نمایانگر علاقه‌مندی غیر متعهدها به دفاع از حقوق خود و ایستادگی در برابر آپارتاید هسته‌ای است که نه تنها در این محدوده که در سطحی وسیع‌تر، آثار و پیامدهایی را برای ارتقای نقش غیر متعهدها در معادلات جهانی به همراه داشته است، کما این که در قالب چنین حرکتی هفتمین نشست بازنگری معاهده «ان.پی.تی» در نیویورک به صحنه جدی تقابل غیر متعهدها با بلوک هسته‌ای بدل شد. بنابراین، در یک نگاه کلی می‌توان گفت؛ با پیوستن ایران به این جنبش و فعالیت در آن به نظر می‌رسد، اندیشه حمایت از تبدیل جنبش به سازوکاری تأثیرگذار در معادلات جهانی تقویت شده است. به‌خصوص زمانی که جمهوری اسلامی ایران به همراه کوبا، مالزی و آفریقای جنوبی در ردیف چهار کشور پیشرو در زمینه بیداری غیر متعهدها قرار گرفته که از زمان پیوستن به آن، همواره بر ضرورت عملی شدن خواسته‌های جنبش تأکید ورزیده است. اهم مواضع جمهوری اسلامی ایران که در سخنرانی‌های مقامات رسمی کشور در اجلاس سران این جنبش تبلور یافته است، شامل درخواست برای ارتقای نقش جهانی جنبش در عرصه بین‌الملل باهدف تحقق تساوی حقوق در عرصه بین‌المللی، نیاز به تجدیدنظر در اصول جنبش به‌منظور تکمیل فلسفه وجودی عدم تعهد با توجه به مقتضیات و تحولات جهان معاصر، حرکت جنبش به سمت جنبه ایجابی و نقش‌آفرینی و رهبری در جهان معاصر، لزوم تقویت هویت جنبش براساس صلح، معنویت و محبت و تحقق آرمان‌های بشری برای غلبه بر ناامنی و تبعیض و بی‌ثباتی، تلاش برای تصحیح روندهای یک‌جانبه‌گرایانه و تبعیض‌آلود موجود، تقویت جنبش غیر متعهدها از طریق تعامل گسترده‌تر، ارتقا و تعمیق بیشتر روابط اعضا با یکدیگر، شناسایی ظرفیت‌های فراوان اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اعضای جنبش، فعال‌تر نمودن ارکان جنبش، توجه به ظرفیت‌های بالای سیاسی جنبش به‌عنوان نماینده اکثریت جامعه جهانی و استفاده از این ظرفیت جهت حل و فصل مناقشات بین‌المللی و توسعه صلح، آرامش و بازنگری کلی در اهداف و ساختار شورای امنیت سازمان ملل و تحقق عضویت دائم دارای امتیاز و تو در شورای امنیت بر مبنای گفتمان عدالت‌خواهی بوده است (اسلامی و تلاوکی، ۱۳۹۲: ۱۷۹).



بنابراین با توجه به ظرفیت‌های ایران و جنبش، می‌توان راهکارهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی جهت تقویت مناسبات بین ایران و جنبش ارائه داد که در زیر می‌آید.

۴-۱. الزامات و راهکارهای سیاسی

راهکارها و الزامات سیاسی، تقویت مناسبات ایران و جنبش عدم تعهد را می‌توان در سه سطح جهانی، منطقه‌ای و دوجانبه بررسی کرد.

۴-۱-۱. در سطح جهانی

۴-۱-۱-۱. ایفای نقش در تحولات بین‌المللی

نقش‌آفرینی در مدیریت جهانی، می‌تواند به‌عنوان یک هدف مشترک بین ایران و جنبش مطرح شود که ایران به‌عنوان قدرتی منطقه‌ای در غرب آسیا می‌تواند در این مدیریت سهمیم باشد. درواقع، ایران از طریق دیپلماسی فعال در عرصه بین‌المللی می‌تواند به تقویت روابط سیاسی خود با جنبش تعمیق بخشد و با حضور فعال در سازمان‌های بین‌المللی نشست‌هایی با کشورهای عضو جنبش برگزار کند. به‌نوعی می‌توان گفت؛ جهان در حال گذار به‌نظام بین‌المللی جدیدی است که جنبش می‌تواند نقش‌نویسی ایفا کند. این نظام برپایه مشارکت همگانی و برابری حقوق ملت‌ها استوار است (مؤسسه جهادی، ۱۳۹۳: ۳۱۰). بنابراین، با توجه به نهادگرایی نئولیبرال، جنبش این توان را دارد که توزیع قدرت در نظام بین‌الملل را بازتعریف کند.

۴-۱-۱-۲. همکاری در مبارزه با تروریسم بین‌المللی

تروریسم از مسائل مهم در سطح بین‌الملل است. تعریف این اصطلاح در میان تحلیل‌گران دانشگاهی مورد اختلاف است (بابایی، ۱۳۹۱: ۳۱۹). درواقع، ترور به‌عنوان حربه‌ای برای برخی کشورها برای رسیدن به اهداف خود شده است و بعضی از دولت‌ها برای ضربه زدن به کشورهای رقیب از شیوه تروریستی استفاده می‌کنند (آل‌حبیب، ۱۳۷۵: ۱۷۴). از آنجایی‌که افزایش اقدامات تروریستی منافع دولت‌ها را تحت تأثیر قرار داده است، بنابراین دولت‌ها با انعقاد قراردادهای مبنی بر عدم حمایت از اقدامات تروریستی و تشکیل کنوانسیون‌های مختلف، سعی در مقابله با این معضل کرده‌اند (بلوچی، ۱۳۷۸: ۵۰). بنابراین، با توجه به چالش جدی تروریسم در نظام بین‌الملل، لازم است ایران از ظرفیت جنبش عدم تعهد جهت رفع و مهار این پدیده توجه داشته باشد

و درواقع با دیپلماسی هوشمندانه می‌تواند این معضل را از طریق سازمان‌های بین‌المللی برای کشورهای جهان اسلام تا حدودی حل کند.

۴-۱-۲. ایفای نقش در تحولات منطقه‌ای

جنبش عدم تعهد علاوه بر سطح جهانی، می‌تواند در سطح منطقه‌ای نیز منشأ اثر باشد.

۴-۱-۲-۱. مسئله فلسطین

بسیاری از کشورهای عضو جنبش، کشورهای مسلمان‌نشین هستند. ایران مسئله فراندوم در فلسطین اشغالی را در آذر ۱۳۷۶ مطرح کرد. درواقع برنامه ایران، برنامه‌ای مترقیانه‌ای بوده، اما تحت‌الشعاع تبلیغات عمومی و دیپلماتیک غربی قرار گرفت. البته در این میان، ایران می‌تواند این مسئله را در چهارچوب عدم تعهد جای دهد و اهمیت این موضوع در همان روزهای اول تشکیل جنبش مورد توجه قرار گرفته و به همین دلیل، کمیته رهبری، قسمت مهمی از سخنرانی خود را در اجلاس شانزدهم به این موضوع اختصاص داده بود (BBC monitoring middle East, 2012). بنابراین مسئله فلسطین می‌تواند مسئله‌ای منطقه‌ای باشد که بسیاری از کشورها را در این قضیه به سمت حمایت بکشانند.

۴-۱-۳. سطح دوجانبه

از دیگر سطوح سیاسی بین جنبش و ایران، سطح روابط دوجانبه ایران با کشورهای عضو جنبش است. جنبش به‌عنوان نهادی مستقل و مؤثر شناخته شده و قدرت‌های بزرگ از پتانسیل جنبش را مدنظر قرار داده‌اند. با انقلاب کوبا و وقوع انقلاب اسلامی، برای دیگر کشورها نیز سرمشقی به وجود آمد که به‌نوعی باعث استقلال فکری دیگر اعضا شده است. بنابراین با توجه به تحولات بین‌المللی و نقطه هم‌گرایی لازم است، ایران در سطح نهادی، به روابط دوجانبه سیاسی تأکید داشته باشد. چراکه ایران علاوه بر موقعیت استراتژیکی، در زمینه‌های علمی نیز به‌خصوص انرژی هسته‌ای موفقیت‌های را کسب کرده است، به‌گونه‌ای که قدرت‌های هسته‌ای، امروزه نشست‌هایی را به‌منظور هسته‌ای شدن ایران در نظر دارد که در چهارچوب برجام، عملکرد ایران در این زمینه نیز می‌تواند باعث تقویت روابط دوجانبه ایران با کشورهای عضو جنبش عدم تعهد شود. در این زمینه، در بیانیه پایانی جنبش مطرح شده: «تمامی کشورها باید بتوانند از حق مسلم و انکارناپذیر خود برای توسعه، تحقیق، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای



برای مقاصد صلح‌جویانه، بدون تبعیض و منطبق با تعهدات حقوقی مربوطه بهره‌مند شوند. بنابراین، هیچ‌چیزی نباید به‌نحوی تفسیر شود که حق کشورها برای توسعه انرژی اتمی برای مقاصد صلح‌آمیز را منع کرده یا محدود نماید. تصمیمات و انتخاب کشورها، از جمله جمهوری اسلامی ایران در زمینه استفاده صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای و سیاست‌هایشان در زمینه چرخه سوخت باید محترم شمرده شود (مرکز پژوهش، ۱۳۹۱: ۲۸).

۴-۲. الزامات و راهکارهای فرهنگی

راهکارهای فرهنگی می‌تواند از دیگر الزامات و مناسبات ایران و جنبش باشد.

۴-۲-۱. تقویت ارتباطات رسانه‌ای

از مباحث مهم در عصر جدید که از آن نیز می‌توان یکی از ابعاد قدرت برشمرد، قدرت رسانه‌ای و ارتباطاتی است، یعنی؛ هر کشوری که از نظر رسانه‌ای بتواند جریان‌سازی در نظام بین‌الملل داشته باشد، به نظر موفق‌تر سیاست‌های خود را پیش می‌برد. به عبارتی تحولات انفورماتیک به‌گونه‌ای است که تمام باورها و حریم امن ملتها را در کوتاه‌ترین زمان و نیز کم‌ترین کوششی در دست گرفته و افراد را وادار به پذیرش و ایفای نقش جدید دلخواه کشورهای صاحب رسانه می‌کند، بنابراین نیاز است که اعضای جنبش نیز به این امر توجه داشته باشند. به همین دلیل می‌بینم کشورهای عضو جنبش در جهت مقابله با اطلاعات رسانه‌ای غرب از اوایل دهه ۱۹۷۰، در چهارمین نشست سران جنبش در الجزایر بر لزوم تأسیس یک ارگان ارتباطی بر این امر تأکید کرده و خواهان تحقق یک جریان آزاد مستقیم و سریع اخبار و اطلاعات تأکید داشتند و در سال ۱۹۷۵ ائتلاف دوازده آژانس خبری کشورهای عضو هسته مرکزی این بنا نهاده شد و در کم‌تر از یک سال تعداد اعضا به ۴۰ کشور رسید، در سال ۱۹۷۹ برای نخستین بار مفهوم نظام نوین اطلاعاتی بین‌المللی از سوی کشورهای غیر متعهد در سمپوزیوم همکاری ملل غیر متعهد در زمینه اطلاعات در تونس مطرح و بالاخره نخستین کنفرانس عمومی ائتلاف که در ژوئیه ۱۹۷۶ در دهلی‌نو برگزار شد، اساس‌نامه نهایی به‌نام پول تأسیس گردید (کاظمی، ۱۳۹۱: ۵۶۴). بنابراین لازم است ایران هرچه بیشتر به توسعه رسانه در زمینه‌های مختلف بین‌المللی توجه داشته باشد.

۲-۲-۴. همکاری در حفظ هویت فرهنگی جهان در حال توسعه

مسئله‌ای که از نظر فرهنگی باید مورد توجه قرار گیرد، نژادپرستی و تبعیض نژادی است که به دنبال آن بیگانه‌هراسی و اسلام‌هراسی را تقویت می‌کند، این نکته‌ای قابل‌تأمل است که باید به آن توجه داشت. در حال حاضر شاهد هستیم که به نام آزادی بیان، بسیاری توهین‌ها به ادیان توحیدی به‌خصوص دین مبین اسلام و پیامبر (ص) صورت می‌گیرد که ایران می‌تواند با ملاک قرار دادن این‌گونه مسائل در جنبش با وجود ۵۷ کشور اسلامی در این نهاد، پیگیر این‌گونه موضوعات باشد و بر هویت‌ها اسلامی و انسانی تأکید داشته باشد.

۳-۲-۴. افزایش همکاری‌های علمی

از معضلات کنونی جهان برخورد تبعیض‌آمیز با کشورهای در حال توسعه در حوزه‌های آموزش علم و فناوری است. فراتر از این کشورهای پیشرفته در زمینه انتقال فناوری و به‌خصوص فناوری‌های حساس و پیشرفته نگاهی تبعیض‌آمیز دارند. بنابراین، با پیشرفت‌هایی که ایران در زمینه‌هایی از جمله؛ فناوری‌های نانو، بیو، پزشکی، مهندسی پزشکی، ژنتیک، هوافضا و هسته‌ای دارد، جا دارد که هرچه بیشتر تعاملات علمی بین ایران و اعضای جنبش قرار گیرد.

۴-۲-۴. دموکراسی و حقوق بشر

مسئله قابل پیگیری دیگر، حقوق بشر و دموکراسی است که کشورهای غربی از آن به‌عنوان حربه استفاده می‌کنند و به بهانه حقوق بشر، قطعنامه‌هایی را علیه کشورهای عضو جنبش به کار می‌برند، بنابراین لازم است با توجه به مرکز حقوق بشر و تنوع فرهنگی جنبش که در ایران تشکیل شد و مسئولیت آن به ایران سپرده شده است؛ با راهکارهای عملی در جهت تبیین حقوق بشر و افکار عمومی به تنوع فرهنگی تأکید شود.

۳-۴. الزامات و راهکارهای اقتصادی

دولت-ملت‌ها به این باور رسیده‌اند؛ زمانی می‌توانند پیشرفت داشته باشند که در حوزه‌های مختلف خصوصاً اقتصادی، همکاری و هم‌گرایی داشته باشند. بنابراین نیاز است که جنبش نیز به این نکته توجه داشته و در جهت تحقق آن تلاش لازم را داشته



باشد. ازجمله راهکارهایی که می‌توان ارائه داد، تشکیل بازار مشترک بین کشورهای عضو جنبش است.

بنابراین مناسبات اقتصادی که امروزه از محوری‌ترین مناسبات است، با توجه نظریه نهادگرایی نئولیبرال بر تقویت رژیم‌ها و نهادها به‌عنوان مؤثرترین ابزار کنترل جهانی‌شدن می‌پردازد که خواستار دخالت حداقل دولت در بازار ملی و جهانی هستند (جوادی‌ارجمند، ۱۳۸۹: ۳۲). بنابراین جنبش می‌تواند مانند شرکت‌های فراملیتی عمل کرده و نیازهای بازار مصرفی خود را در کشورهای عضو پیگیری کند.

۴-۴. الزامات و راهکارهای امنیتی

امنیت همواره مهم‌ترین دغدغه بشر بوده و تا امنیت نباشد، اهداف معنی نخواهند داشت؛ درواقع این امنیت است که به اهداف شکل می‌دهد. هر وقت معضل امنیت برطرف شد بشر می‌تواند خود را در پیشرفت ببیند. ترس قرن بیستم، ترسی اتمی بود که همه کشورها را کنار هم قرار داد تا چاره‌اندیشی کنند و موضوع خلع سلاح پیش کشیده شود. خلع سلاح بین‌المللی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جنبش عدم تعهد از ابتدای تأسیس آن بوده است. تداوم و تقویت تلاش‌های این جنبش در این زمینه به خلق دنیای امن‌تر و عاری از سلاح‌های مرگبار خواهد کرد و جنبش ظرفیت بالایی برای تشدید فشارهای بین‌المللی به رژیم صهیونیستی برای الحاق به پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای دارد. موضوعی که بارها به‌عنوان یکی از مطالبات مهم، مورد تأکید جنبش قرار گرفته است. این امر مناسبات ایران و جنبش را بسیار می‌تواند به هم نزدیک نماید (pishkesvat.ir, 1391).

بنابراین، همکاری مؤثر اعضای جنبش می‌تواند ظرفیت چشمگیری را در اختیار آن برای مقابله با پدیده‌های مخرب امنیت بین‌الملل ازجمله تروریسم و تولید و ترانزیت مواد قرار دهد.

با توجه به وجود هفت تهدید که شامل موارد زیر است:

۱. تهدیدات اقتصادی و اجتماعی، شامل فقر، بیماری مسری و تخریب محیط‌زیست؛
۲. تعارض محیط‌زیست؛
۳. تعارض میان کشورها؛
۴. تعارضات داخلی، شامل جنگ داخلی، نسل‌کشی و دیگر فجایع در مقیاس وسیع؛

۵. تسلیحات هسته‌ای، رادیولوژی، شیمیایی و بیولوژیک؛

۶. تروریسم؛

۷. جنایات سازمان‌یافته فراملی.

جنبش عدم تعهد با همکاری کشورها می‌تواند نقش بیشتری در کاهش این تهدیدات داشته باشد و ایران با توجه به قدرت علمی، اقتصادی و نیز توافق هسته‌ای که با کشورهای ۵+۱ داشته، می‌تواند نقش خود را با همکاری دوجانبه اقتصادی با کشورهای مانند چین، هند پررنگ کرده و ظرفیت جنبش را با ارتباطات قوی و هوشمندانه به سطح بالایی برساند که این امر به‌نوعی کاهش تهدیدات را در پی دارد.

نتیجه‌گیری

با توجه به اصول و اهداف جنبش عدم تعهد و سیاست خارجی ایران، زمینه‌ها و ظرفیت‌های گسترده‌ای برای همکاری‌های متقابل وجود دارد. در بخشی از مقاله به روابط جمهوری اسلامی ایران و جنبش عدم تعهد در زمینه‌های مختلف توجه شد و بیان گردید که ظرفیت‌های زیادی به لحاظ ادراکی و نهادی بین ایران و جنبش، جهت همکاری وجود دارد. درواقع به این مسئله پی بردیم که با توجه به این سطوح، ایران و جنبش عدم تعهد می‌توانند، همکاری‌های خود را افزایش دهند، چراکه ایران کشوری انقلابی و به‌نوعی بلوک جدید محسوب می‌شود که با تغییر در معادلات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود، تأثیر بیشتری را می‌تواند بر جنبش عدم تعهد داشته باشد. درواقع طبق نظریه نهادگرایی نئولیبرال که تلفیقی از واقع‌گرایی و نوکارکردگرایی است، باید بازتعریفی از نقش کشورها به‌منظور هم‌گرایی داشت که انگیزش و وابستگی منطقه‌ای و بین‌المللی حس شود و از آنجایی که سود، زیان و منافع کشورها در میان است، بنابراین کشورها (به‌خصوص کشورهای عضو نم) بیشتر بر منافع ملی تأکید کرده و هم‌گرایی بیشتری حس می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت سیاست جنبش، سیاستی خوداتکایی بوده و هست و امروزه با توجه به اهمیت نهادهای بین‌المللی، اهمیت آن دوچندان می‌شود. به عبارتی، طبق این نظریه از آنجایی که مه‌ترین عامل تعیین‌کننده رفتار بین‌الملل، دولت بوده و نظام بین‌الملل نظامی آنارشیک است که بازیگران آن را دولت‌ها تشکیل می‌دهند و نهادهای بین‌المللی نیز هویت مستقل دارند. جنبش عدم تعهد به‌عنوان یک‌نهاد مهم در این نظام، می‌تواند بسیاری از سیاست‌های خود را اعمال کند و درواقع نظم جدیدی را رقم زند که البته پیش‌شرط‌هایی دارد که مهم‌ترین آن استقلال کشورهای عضو جنبش از یک‌سو و تأکید بر تغییر نظم کنونی از سوی دیگر



است که مناسباتی را می‌توان در سه سطح جهانی، منطقه‌ای و دوجانبه ترتیب داد که در این میان نقش ایران بسیار حائز اهمیت است و با دیپلماسی فعال و هوشمندانه در این عرصه، می‌تواند حضور جدی داشته باشد. به عبارتی، ایران با گسترش روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با کشورهای عضو نم به‌صورت دوجانبه، منطقه‌ای و جهانی می‌تواند نقش فعالی ایفا کرده و با تأکید بر آرمان‌های عملی خود در نظام بین‌المللی بسیاری از اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت خود را پیگیر شود. درواقع، ایران با صدور انقلاب، البته به‌صورت نرم، می‌تواند رونق‌بخش اهداف جنبش بوده و با نفی اردوگاه امپریالیسم می‌تواند به اهداف خود دست یابد که البته هزینه‌هایی را برای ایران دربر خواهد داشت.

بنابراین، جمهوری اسلامی ایران جهت عدم انزوای خود در سیاست خارجی باید از هر فرصتی برای جای گرفتن در نهادهای بین‌المللی استفاده کند و هماهنگی لازم را با کشورهایی که در این نهاد بین‌المللی قرار دارند را ترتیب دهد. درواقع، ایران با برقراری روابط دیپلماتیک مناسب با کشورهای عضو این جنبش به‌نوعی حمایت بیش از ۱۰۰ کشور عضو سازمان ملل متحد را می‌تواند با خود دارا باشد.

فهرست منابع

- آل حبیب، اسحاق (۱۳۷۵). *معضل تروریسم و اقدامات سازمان ملل متحد برای مواجهه با آن*، مطالعات سازمان ملل متحد، سال اول، شماره ۳ و ۴.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۶)، روابط خارجی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷، تهران: قومس.
- ازغندی، علیرضا؛ روشندل، جلیل (۱۳۹۳). *مسائل نظامی و استراتژیک معاصر*، چاپ پانزدهم، تهران: سمت.
- اسکات برچیل و دیگران (۱۳۹۱). *نظریه های روابط بین الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، حمیرا و روح اله طالبی آرانی، تهران: میزان.
- اسلامی سعید، مسعود کاوه تلاوکی، (۱۳۹۲). *بررسی تأثیرات متقابل ایران و جنبش عدم تعهد*، مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره ۲۱، ۱۹۲-۱۶۷.
- بلوچی، حیدرعلی (۱۳۷۸). *سازمان کنفرانس اسلامی و مبارزه با تروریسم*، مجموعه مقالات همایش ارزیابی نیمه اول دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران بر سازمان کنفرانس اسلامی، تهران: مرکز چاپ و انتشار وزارت امور خارجه.
- تیشه یار، ماندانا (۱۳۸۸). *بررسی سیاست های ناتو در منطقه اوراسیا براساس نظریه بر ساخته گرایی*، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال دوم، شماره ۴، ۶۲-۴۳.
- جوادی ارجمند، محمدجعفر (۱۳۸۵). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: میزان.
- خمینی، روح الله (۱۳۹۵). *صحیفه امام*، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۱). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ چهارم، تهران: سمت.
- ستوده، محمد (۱۳۸۵). *تحولات نظام بین الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، قم: بوستان کتاب.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۶). *نگرشی سازه انگارانه به هویت ملی در ایران*، مطالعات ملی، سال هشتم، شماره ۳، ۵۴-۳۱.
- سیف زاده، حسین (۱۳۸۵). *اصول روابط بین الملل*، چاپ پنجم، تهران: میزان.
- شیهان، مایکل (۱۳۸۸). *امنیت بین الملل*، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- عبدالرشیدی، علی اکبر (۱۳۹۰). *جنبش عدم تعهد*، چاپ دوم، تهران: سروش.
- عبدی، عیسی ؛ ملکی، یعقوب (۱۳۹۱). *جنبش عدم تعهد در گذر تاریخ*، تهران: جمهور ایران (وابسته به مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری)، فرهنگ و تمدن.



- قوام، عبدالعلی؛ کیانی، داود (۱۳۹۰). *اتحادیه اروپا هویت، امنیت و سیاست*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۹۱). *روابط بین‌الملل در تئوری و عمل*، چاپ چهارم، تهران: قومس.
- لوکلا، ژرار (۱۳۸۲). *جهانی‌شدن فرهنگی، آزمونی برای تمدن‌ها*، ترجمه سعید کامران، تهران: وزارت امور خارجه.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۱). *ایران و جنبش عدم تعهد به روایت اسناد باندونگ تا تهران*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، چاپ پنجم، تهران: سمت.
- مشیرزاده، حمیرا؛ مسعودی، حیدرعلی (۱۳۸۸). *هویت و حوزه‌های مفهومی روابط بین‌الملل*، سیاست، سال سی و نهم، شماره ۴، ۲۶۹-۲۵۱.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۲). پنج مقاله، چاپ دوازدهم، تهران: صدرا.
- مؤسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی (۱۳۹۳). *از هزاره تا تهران*، تهران: ایمان جهادی صهبا.
- ونت، الکساندر (۱۳۸۶). *نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه.
- خبرگزاری مهر، آمادگی ایران برای انتقال تجربیات علمی به کشورها جنبش عدم تعهد ۱۳۹۳/۴/اسفند.
- سایت تدبیر و امید، پیگیری نظام‌مند علمی جنبش عدم تعهد ۴/اسفند/۱۳۹۳.
- اجلاس سران جنبش عدم تعهد چه ظرفیت‌هایی برای کشور ایجاد می‌کند؟ ۲۱ مرداد ۱۳۹۱

References

- Adler, Emanuel (1997). “Seizing the Middle Ground: Constructivism in World Politics”, *European Journal of International Relations*, Vol.3, No.3, 319-363.
- Foreign Broadcasting Information Service, Daily Report: Near East & south Asia (hence forth FBIS / NE– SA), Desember 10, 1979).
- Gasiorowski, M. J. & Keddie, N. R. (Eds.). (1990). *Neither East nor West: Iran, the Soviet Union, and the United States*(p. 151). Yale University Press.
- Giddens, A. (1984). *The Constitution of Society. Outline of the Theory of Structuration*, Cambridge, deutsch: *Die Konstitution der Gesellschaft, Grundzüge einer Theorie der Strukturierung*.
- Hunter, S. (1990). *Iran and the world: continuity in a revolutionary decade*, Indiana Univ Pr.
- Iran urges support for NAM, Africa News service, September, 1996.
- Jomhori– e Islami, March 5, 1983.
- Muhammad Mokri, Payam– e Emrooz, May 9, 1979.
- Sadri, H. A. (2001). An Islamic perspective on non-alignment: Iranian foreign policy in theory and practice, In *The Zen of International Relations* (pp.157-174). Palgrave Macmillan, London.
- Statement by Dr. Ali Akbar Velayati, kayhan Havai, may 2, 1990.
- Wendt, A. E. (1987). “The agent-structure problem in international relations theory”, *International organization*, Vol.41, No.3, 335-370.